

## تاریخگذاری آیات قرآن از نگاه ریچارد بل و...

دکتر محمدجواد اسکندرلو

عضو هیأت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی

نادرست دست یافته‌اند، به گونه‌ای که نتیجه پژوهش آن‌ها در ارائه ترتیب سوره‌ها نه تنها با ترتیب روایی ناسازگار می‌باشد، بلکه میان ترتیب‌های خودشان نیز تفاوت و ناسازگاری‌های بسیار زیادی مشاهده می‌شود و این نشان می‌دهد که معیارها و مبانی آن‌ها چیزی جز ذوقیات و تخیلات محض نبوده است.

مهم‌ترین خاورشناسانی که در این مقوله به گونه مفصل تحقیق نموده‌اند، عبارت‌اند از: تئودور نولدکه،<sup>۱</sup> گوستاو وایل،<sup>۲</sup> رودولف،<sup>۳</sup> بلاشر،<sup>۴</sup> ریچارد بل،<sup>۵</sup> ویلیام مویر،<sup>۶</sup> گریم<sup>۷</sup> و هرشفلد.<sup>۸</sup>

بایسته یادآوری است که از میان نامبردگان، فقط ریچارد بل به تاریخگذاری آیات

### چکیده:

مراد از «تاریخ‌گذاری قرآن» تعیین تاریخ نزول آیات و سوره قرآن است. با توجه به این‌که این موضوع پژوهشی تاریخی است، مبنا و روش تحقیق درست آن، استناد به دلایل تاریخی، روایات معتبر و مضامین آیات و سوره است؛ بدین لحاظ، قرآن‌پژوهان مسلمان، اغلب در این زمینه به روایت ابن عباس استناد کرده‌اند و براساس آن به ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته‌اند، ولی خاورشناسان از آنجا که بیشتر بررسی لحن، آهنگ و سبک آیات و سوره را ملاک و مبنای تحقیق خود قرار داده‌اند و یا آن‌که به روایات ضعیف استناد جسته‌اند، به نتایجی

پرداخته است، ولی دیگران محور پژوهش خود را تاریخ‌گذاری سوره‌ها قرار داده‌اند. در این مقاله به نقد و بررسی پژوهش ریچارد بل در زمینه تاریخ‌گذاری آیات می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: تاریخ، تاریخ‌گذاری، قرآن، آیات، ترتیب نزول، واحد نزول.

### پژوهش ریچارد بل

ریچارد بل برای قرآن ترجمه‌ای شیوا همراه با توضیحات، در دو جلد به زبان انگلیسی ارائه و در آن تلاش کرده است در قالب آرای انتقادی، به تجدید ترتیب و توالی قرآن کریم بپردازد؛ البته وی در این کتاب همه یادداشت‌هایی را که ثابت‌کننده آرا و نظریات او درباره چگونگی آرایش سوره‌ها بود، انتشار نداد، تا این‌که در سال ۱۹۵۳ میلادی، کتاب مقدمه قرآن<sup>۱</sup> را در تکمیل ترجمه‌اش منتشر نمود. این کتاب از هشت فصل تشکیل شده است:

۱. موقعیت تاریخی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (در قسمت پایانی این فصل، از زندگانی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دوران‌های مکی و مدنی و ویژگی‌های آن سخن گفته است).

۲. در فصل دوم، ریشه و اصل قرآن و مسئله جمع قرآن و روایات آن بحث و بررسی شده است.

۳. شکل و صورت قرآن (در پایان این فصل، جدولی را با توجه به قرآن «چاپ فلوگل» ترتیب داده است که در آن به شماره سوره‌ها و تعداد آیاتشان و... اشاره شده است).

۴. سبک‌ها و اسلوب‌های بیانی قرآن.

۵. تهیه و تنظیم سوره‌ها (بحث از ساختار و کوتاهی و بلندی سوره‌ها و فواصل آیات و ترکیب نحوی آن‌ها).

۶. ترتیب نزول (بل در این فصل ابتدا ارزش واقعی روایات ترتیب نزول را رد و دیدگاه‌های نولدکه، مویر، بلاشر، هرشفلد، گریم و رودول را در این زمینه مطرح کرده است و با ذکر ملاک‌های مورد نظر نولدکه در ترتیب و طبقه‌بندی سوره‌ها، پژوهش او را به بینه نقد می‌برد. وی سرانجام جدولی از ترتیب‌های قرآنی مانند ترتیب مصحف عثمانی، مویر، نولدکه و گریم ارائه می‌کند، ولی یادآور می‌شود که رسیدن به ترتیب نزولی که نسبت به همه سوره‌های قرآن فراگیر باشد، امری دشوار است؛ از این رو، پیشنهاد می‌دهد که مناسب‌ترین ملاک و ابزار قابل پیروی، وضع اصولی کلی است و آن‌گاه اصول ذیل را مطرح می‌سازد:

۷. مراحل تکمیل قرآن (موضوعات گوناگونی همچون هدف از داستان‌های قرآنی، کمال یا نقص قرآن، آیات قدرت و رحمت خدا، داستان‌های عذاب، تغییر دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت، و نام‌های قرآن، در این فصل بحث شده است).

۸. محتویات و منابع قرآن (شامل تعالیم، داستان‌ها و احکام).<sup>۱۱</sup>

بل در این کتاب، بر خلاف این دیدگاه که واجد اصلی وحی همواره به صورت یک سوره کامل بوده است، بر این باور بود که آیات وحی در قالب واحدهایی بسیار کوچک‌تر و اغلب اوقات تنها تشکیل یافته از یک یا دو و یا سه آیه بوده و برای چنین ادعای مهمی هیچ گونه دلیلی اقامه نکرده است و حال آن‌که نزول سوره‌های کاملی از قرآن به صورت دفعی، امری اجماعی است. طبق استدلال او، تاریخ‌گذاری مناسب آیات قرآنی باید خود را با این واحدهای کوچک‌تر سازگار نماید. او سوره‌ها را با ترکیب کنونی آن‌ها، به اجزای تشکیل دهنده فرضی تقسیم کرده و سپس با فرایند پیچیده‌ای از تحلیلش تلاش کرده تا برای هر یک از این اقسام، تاریخی ارائه دهد. در پاره‌ای از موارد،

۱. در صورت فقدان مرجع معین تاریخی، یگانه معیار پی‌بردن به تاریخ تقریبی، «سبک و اسلوب» می‌باشد، ولی سرانجام از این اصل روی برتلفته و به دشواری کاربرد معیار «سبک» اعتراف کرده است.

۲. می‌توان به معیار «ترکیب و ساختار عبارات» روی آورد.

در این‌جا نیز او عقب‌نشینی و اظهار کرده مواردی استثنایی وجود دارد که می‌تواند ما را گرفتار خطا و لغزش کند.

وی به ترتیب سوره‌های علق (آیات ۱ - ۵) و قلم، که دیگران آن‌ها را نخستین و دومین سوره‌های نازل شده در آغاز وحی دانسته‌اند، اعتراض کرده و می‌گوید که نزول این سوره‌ها، بیشتر با مرحله پس از بعثت محمد صلی الله علیه و آله سازگار است؛ زیرا در آغاز رسالت او، هیچ تصویری از فرشتگان نبوده است.

این دیدگاه به طور مسلم قابل پذیرش نیست؛ زیرا عرب جاهلی، فرشتگان را در دین و فرهنگ خویش می‌شناختند و نیز از طریق تعامل با یهودیان و مسیحیان موجود در مکه، توانسته بودند در این باره، تصویری کسب نمایند.<sup>۱۲</sup>

قسمت‌هایی را که فکر می‌کرده مجموعه واحدی از وحی هستند، بعدها برای او روشن شده که کاملاً مستقل و در سوره‌های مختلفی گنجانده شده‌اند. چنین دریافتی با این نظریه‌اش که قرآن در معرض بازنگاری و بازنگری گسترده‌ای قرار گرفته، سازگار می‌باشد. وی همچنین گمان می‌کرد که قسمت‌هایی از قرآن احتمالاً بر پشت اوراقی که مشتمل بر قسمت‌های دیگر قرآنی بوده، نوشته شده‌اند و درج آیه‌ای در سوره‌هایی که در واقع به آن‌ها تعلق نداشته، می‌تواند ناشی از کار کاتبانی باشد که این اوراق را به شیوه‌ای فنی استنساخ کرده‌اند، بی‌آن‌که هیچ‌گونه توجهی به مفهوم آیات داشته باشد.<sup>۱۲</sup> او اغلب در مقام تبیین نظام پیچیده خود در مورد معیارهای تفکیک‌کننده، به اظهار نظریاتی کلی بسنده می‌نماید و سوره‌ها را بر اساس برداشت‌های شخصی خود تجزیه و به گونه‌ی سلیقه‌ای و استحسانی محض مطرح می‌کند که آیات خاصی کنار گذاشته شده بودند، در حالی که محتوای کناره‌های دیگر کاغذ که قرار بود کنار گذاشته شوند، حفظ و نگهداری گردیدند، و هیچ دلیلی قانع‌کننده برای این احتمالش بیان نکرده است.

به نظر می‌رسد که بل کلمه «کاغذ» را برای تسهیل کار به عنوان هر نوع مصالحی که برای نوشتن به کار رفته، به کار برده است. او به عنوان نمونه‌هایی از این جابه‌جایی، آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت و آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره انشقاق و آیات ۱۷ تا ۲۰ سوره غاشیه را ذکر می‌کند؛ برای مثال، در مورد سوره غاشیه می‌گوید: این سوره با وصف قیامت آغاز می‌شود و بیانگر سرنوشت فاسقان است. آن‌گاه به وصف پرهیزکاران می‌پردازد. پیداست که آیات ۱۷ تا ۲۰ پیوندی با آیات قبل و بعد خود ندارند و از نظر سجع و قافیه و فاصله نیز متفاوت‌اند. فرضیه بل این است که این آیات از آن جهت در این جا درج شده‌اند که پشت آیات ۱۳ تا ۱۶ نوشته شده بوده‌اند و آیات ۱۳ تا ۱۶ نیز که از حیث سجع یا فاصله از آیات پیشین متمایزاند، افزوده بعدی است که در پشت تکه کاغذ یا صحیفه‌ای که مشتمل بر آیات ۱۷ تا ۲۰ بوده، نوشته شده بوده‌اند. به هر حال این دیدگاه که نظم و ترتیب قرآن اغلب در معرض این واقعیت قرار گرفته که عباراتی پشت عبارات دیگر نوشته شده، از سوی بل با تفصیل تمام در مورد کل

قرآن ادعا شده است. می‌توان گفت آنچه او حدس می‌زند، عقلاً امکان وقوع داشته است، ولی به نظر می‌رسد که حداقل در بعضی دوره‌ها، هر کسی که مسئول جمع و تدوین قرآن بوده، به صرف ملاحظه فقدان توالی معنایی و گسستگی مفهومی، نگران و بدگمان نمی‌شده است؛ یعنی امکان داشته که در یک سوره گسستگی مفهومی پیش آید، بی‌آن‌که لزوماً ناشی از این باشد که بخشی از عبارات را پشت عبارات دیگر نوشته باشند.

بل با در نظر گرفتن تدوین قرآن در طی حیات پیامبر صلی الله علیه و آله نقطه آغازین قرآن به عنوان متن مقدس را به زمان جنگ بدر مربوط می‌داند. برای او این واقعه نقطه عطف به شمار می‌آید، در حالی که مسئله هجرت به عنوان یک معیار تفکیک در ساختار طبقه‌بندی سوره‌ها محسوب نمی‌شود. ریچارد بل در واقع نظام تاریخ‌یابی دقیقی را مطرح نکرد، بلکه به طور کلی این نتیجه را گرفت که جمع قرآن به سه دوره اصلی تقسیم می‌شود:

دوره اول مربوط به عبارات مشتمل بر «آیات» و پند و اندرزهایی در ارتباط با عبادت پروردگار است. این‌ها بیانگر

قسمت عمده مواظب پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه می‌باشد که صرفاً مقداری پراکنده و ناقص از آن‌ها باقی مانده است.

دوره دوم یا مرحله «قرآن» شامل اواخر زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و دو سال فعالیت او در اوایل دوران مدینه می‌شود که در طی این دوران، پیامبر به کار فراهم آوردن مجموعه‌ای از محفوظات دینی و عبادی پرداخت. دوره سوم یا مرحله «کتاب» متعلق است به فعالیت او در مدینه که آغاز آن به اواخر سال دوم پس از هجرت باز می‌گردد که از آن زمان، پیامبر درصدد تدوین قرآن (به صورت کتاب) برآمد؛ البته در قرآن موجود، هیچ یک از این سه مرحله را نمی‌توان به طور دقیق و مجزاً یافت؛ زیرا فرازهای مشتمل بر «آیه» به تدریج در مجموعه امور عبادی گنجانده شدند و محفوظات شفاهی پیشین، بعدها مورد جرح و تعدیل قرار گرفته و قسمتی از کتاب مدون را به وجود آوردند.<sup>۱۳</sup>

#### پورسی:

اینک، سزاوار و شایسته است که به شرح هر یک از مراحل سه گانه پژوهش قرآنی «بل» بپردازیم.

### ۱. مرحله آیات (نخستین مرحله نزول وحی مکی)

در قرآن کریم واژه «آیات» فراوان به کار رفته است که معنای رایج آن «نشانه‌ها» می‌باشد، و مصادیق مختلفی دارد: پدیده‌های طبیعی، رویدادهایی که ناظر به تأیید صدق نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، نشانه‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواند، و نشانه‌هایی که بخشی از کتاب الهی هستند. عبارت‌ها یا بخش‌های شامل آیات الهی، در تمام دوره‌هایی که ممکن است وحی را به آن‌ها تقسیم کنیم، نازل شده‌اند، ولی هر دسته از آن‌ها به تناسب زمان و مکانی خاص نازل گردیده‌اند که اسباب نزول می‌تواند در اغلب این موارد، راهگشا باشد.<sup>۱۴</sup> در دوره نخست وحی مکی، آیاتی نازل شده‌اند که بیشتر به معنای نشانه‌های پند و اندرز بوده‌اند که نمونه‌های آن‌ها را در این جا یادآور می‌شویم: «و در زمین و در وجود خود شما مایه‌های عبرتی وجود دارد»؛<sup>۱۵</sup> «بدون تردید نشانه‌های عبرتی در آسمان‌ها و زمین برای مؤمنان هست»؛<sup>۱۶</sup> و «پدیده‌های گوناگونی در میان آیات الهی مشاهده می‌شود».<sup>۱۷</sup>

«بل» ادعا کرده که «آیه ۲۱ سوره «ذاریات» به وحی نخستین مکه مربوط

می‌شود.<sup>۱۸</sup> چنین ادعایی مستلزم گسستگی میان این آیه با آیات قبل و بعد از آن است و حال آن‌که وحدت سیاق ایجاب می‌کند که در ادامه آیات قبلیش نازل شده باشد. همان گونه که استاد «دروزة» اظهار داشته، آیات این سوره چنان با یکدیگر هماهنگ و منسجم هستند که از نظم و توالی آن‌ها می‌توان فهمید که همه آیات این سوره یک‌جا نازل شده است.<sup>۱۹</sup> ارتباط و تناسب معنوی این آیه با آیات قبلیش چنین است: «در تعقیب آیات پیشین که درباره معاد و صفات دوزخیان و بهشتیان سخن می‌گفت، در آیات مورد بحث، سخن از نشانه‌های خدا در زمین و در وجود خود انسان است تا از یک سو با مسئله توحید و شناخت خدا و صفات او که مبدأ حرکت به سوی همه خیرات است، آشنا شوند و از سوی دیگر به قدرت او بر مسئله معاد و زندگی پس از مرگ؛ چرا که خالق حیات در روی زمین و این همه شگفتی‌ها بر تجدید حیات نیز تواناست».<sup>۲۰</sup>

از سوی دیگر، با آیات بعدی خود نیز پیوند عمیق دارد؛ از این رو، علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌فرماید: آیه «وَفِي الْأَرْضِ

آيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ» تا آیه پنجاهم سوره که به عنوان استنتاج فرموده است: «فَقْرُؤًا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» همه در بیان اثبات وحدانیت خداوند متعال در ربوبیت نازل شده‌اند.<sup>۲۱</sup>

بل همچنین آیه سوم از سوره «جاثیه» را متعلق به دوران نخست وحی مکی دانسته است،<sup>۲۲</sup> و حال آن‌که «جاثیه» شصت و پنجمین سوره نازل شده در مکه بوده و قسمت‌های مختلف این سوره چنان با هم مرتبط و هماهنگ هستند که نشان دهنده نزول یکباره همه آیات آن می‌باشد.<sup>۲۳</sup> اشکال دیگری که به دیدگاه بل وارد می‌باشد، این است که از میان این سوره فقط آیه سوم را جزو مجموعه وحی مشتمل بر آیات و نشانه‌ها بر شمرده است و حال آن‌که در آیه چهارم و پنجم نیز می‌فرماید: «و در آفرینش شما و آنچه از چهارپایان [در زمین] پراکنده شده‌اند، نشانه‌هایی است برای گروهی که یقین می‌آورند و [در] آمد و رفت شب و روز... و گردانیدن بادها، نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند.» پیداست که مراد از این نشانه‌ها همان آیات تکوینی الهی هستند که بر عظمت آفریدگار و آفرینش دلالت

دارند و دقت در آن‌ها برای انسان موجب پند و اندرز می‌شود، ولی معلوم نیست که چرا وی سخنی از این آیات به میان نیاورده است!

او همچنین آیه ۳۷ و ۳۹ سوره «فصلت» را جزو آیات وحی نخستین مکی معرفی کرده است،<sup>۲۴</sup> و حال آنکه در این سوره نیز انسجام و تناسب آیات با یکدیگر چنان آشکار و محسوس است که از نزول دفعی آن‌ها حکایت دارد و یا حداقل نشان‌دهنده تتابع و توالی هر فراز با فراز بعدی خود است.<sup>۲۵</sup> علامه طباطبایی نیز می‌فرماید: غرض اصلی این سوره، بیان رویگردانی کافران از قرآن کریم است که پس از هر چند آیه این مطلب را تکرار می‌کند. در آیه دوم سوره می‌فرماید: «کتابی است فرو فرستاده از جانب خداوند رحمان رحیم» و تا شش آیه، مسئله انکار کتاب را پی می‌گیرد. در آیه ۲۶ دوباره همین مطلب را یادآور می‌شود: «کافران گویند: به این قرآن گوش مدهید و در اثنای خواندن آن سخنان بیهوده بگویید، باشید که پیروز شوید.» و برای بار سوم در آیه ۴۰ همین مطلب را یادآور می‌شود: «کسانی که آیات ما را تحریف می‌کنند بر ما پوشیده

نخواهد بود...» و در پایان سوره نیز از جنبه رحمانی بودن نزول قرآن سخن گفته است: «بگو: به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خداوند باشد و شما به آن کافر شوید، چه کسی گمراه‌تر خواهد بود از کسی که در مخالفت شدیدی قرار دارد؟» و رویگردانی مشرکان از «قرآن» مستلزم انکار مبدأ و معاد و نبوت خاتم الأنبياء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ از این رو درباره این سه اصل، مفصل سخن می‌گوید.<sup>۲۶</sup> با این وصف، تفکیک آیات ۳۷ و ۳۹ از این مجموعه، بی‌معنا و نادرست خواهد بود.

بل می‌افزاید: «ویژگی دیگری که در این مرحله از وحی به چشم می‌خورد این است که خداوند خلقتی را به وجود آورده و آن را باز می‌گرداند؛ مانند آیات ۴ و ۳۴ سوره «یونس»، آیه ۵۱ سوره «اسراء»، آیه ۱۰۴ سوره «انبیاء» و آیه ۱۸ سوره «بروج»، و غالباً این آیات اشاره روشنی به روز قیامت دارند.»<sup>۲۷</sup>

ادعای او مبنی بر این‌که آیات ۴ («بازگشت همه شما به سوی اوست. خداوند وعده حقی فرموده؛ او آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند...») و ۳۴ سوره یونس («بگو:

آیا هیچ یک از معبودهای شما، آفرینش را ایجاد می‌کند و سپس باز می‌گرداند؟! بگو: تنها خدا آفرینش را ایجاد کرده، سپس باز می‌گرداند...») متعلق به دوران نخست وحی مکی است، ادعایی سست و بی‌دلیل می‌باشد؛ زیرا قسمت‌های مختلف سوره یونس چنان با یکدیگر هماهنگ و مرتبط هستند که این ارتباط و پیوند بین آیات نشان دهنده نزول دفعی همه آیات این سوره است.<sup>۲۸</sup> در نتیجه، تفکیک آیه چهارم و سی چهارم این سوره و جای دادن آن‌ها در دوران نخست وحی، پایه و اساس قابل دفاعی ندارد؛ برای نمونه، در آیه چهارم آمده است: «إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً...» با توجه به این‌که آیه سوم این گونه آغاز شده: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...» به روشنی می‌توان نظر داد که مرجع ادبی ضمیر در «إليه» همان «رَبُّكَ» می‌باشد. از آیه پنجم این سوره که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا...» نیز بر می‌آید که به دنبال آیه «إليه مرجعکم جمیعاً» نازل شده است؛ زیرا پس از معرفی خدا به عنوان «مرجع» همه انسان‌ها در قیامت، در آیه بعدی ادامه می‌دهد:



«همان خدایی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد»؛ چنان که از مضمون آیه سی و چهارم نیز بر می آید که به دنبال آیات قبلش در همین سوره نازل شده است؛ زیرا از آیات سی و یکم تا سی و سوم با پرسش‌ها و مطالبی که مطرح می‌سازد، در صدد اثبات این مطلب است که تنها معبود حقیقی خداست؛ آن گاه در آیه سی و چهارم، همین مطلب را چنین دنبال می‌کند: شریکانی که شما برای خدا فرض کرده‌اید، نه منشأ پیدایش آفرینش بوده‌اند - و نه توان اعاده آن را دارند و تنها خدای یگانه است که در این کارها توانا می‌باشد.<sup>۲۹</sup> وی همچنین ادعا کرده است که آیه پنجاه و یکم سوره اسراء: «أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا» جزو نخستین آیات وحی است، و حال آن‌که اولاً: سوره اسراء پنجاهمین سوره نازل شده در مکه می‌باشد و ثانیاً: آیه پنجاه و یکم آن با توجه به این‌که با حرف «أو» آغاز شده و «أو» حرف عطف می‌باشد، به خوبی نشان می‌دهد که به دنبال آیه یا آیاتی

دیگر در یک زمان نازل شده است و دقت در مضمون آیات پیشین، این نکته را آشکار می‌سازد که آیه پنجاه و یکم تتمه مطلب همان آیات است؛ زیرا در آیه ۴۹ می‌فرماید: «[مشركان] گفتند: آیا هنگامی که ما استخوان‌های پوسیده و پراکنده‌ای شدیم، دگر بار آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟!»

قرآن در پاسخ آن‌ها می‌گوید: «بگو استخوان پوسیده و خاک شده که سهل است، شما سنگ و آهن هم که باشید، باز خدا قادر است لباس حیات بر تان بیوشاند.» و بی‌درنگ می‌افزاید: «حتی اگر مخلوقی از سنگ و آهن سخت‌تر و از حیات و از زندگی دورتر، و از این جهت در نظر شما بسیار بزرگ باشد، باز خداوند می‌تواند جامه حیات بر تن آن کند.» روشن است که استخوان‌ها پس از پوسیدن به خاک تبدیل می‌شوند و...<sup>۳۰</sup> وی گفته است که آیه ۱۰۴ سوره انبیا در طبقه همان وحی نخستین مکه می‌گنجد، و حال آن‌که پیوند و تناسب معنوی میان آیات این سوره نشان دهنده آن است که این آیات همگی به دنبال یکدیگر نازل شده‌اند، به ویژه این پیوند و تابع در مورد آیه ۱۰۴ سوره انبیا

نسبت به آیه قبلش کاملاً روشن است؛ زیرا در آیه ۱۰۳ می‌فرماید: «دلهره بزرگ، آنان را غمگین نمی‌کند و فرشتگان از آن‌ها استقبال می‌کنند [و به آنان می‌گویند]: این همان روزی است که به شما وعده می‌دادند.» در ادامه وصف روز قیامت چنین می‌افزاید: «روزی که آسمان را همچون در پیچیدن صفحه نامه‌ها در می‌پیچیم...» حال از ریچارد بل می‌پرسیم: کدام شخص ادیب و خردمندی می‌پذیرد که این آیه توصیفی و تکمیلی را به عنوان سخنی مستقل و جزو آیات نخستین وحی بدانیم؟<sup>۳۱</sup>

بل همچنین نزول آیه هجدهم سوره «بروج» را متعلق به این دوران از وحی دانسته است. در صورتی که تمامی آیات سوره «بروج» نیز چنان به یکدیگر مرتبط هستند که مانع از قبول گسستگی بین آیه هجدهم آن (برای مثال) از آیات قبل و بعد خود می‌شوند. به لحاظ سبک و آهنگ آیات، هر شنونده‌ای چنین داوری می‌کند که این‌ها مجموعه واحدی هستند؛ چرا که همه به حرف «د» ختم شده‌اند: «ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ \* فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ \* هَلْ آتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ \* فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ»<sup>۳۲</sup>

به لحاظ مفاد و محتوا نیز این ارتباط، مشهود است؛ زیرا در آیه هفدهم می‌فرماید: «آیا خبر کسانی که در برابر پیامبران الهی لشکر کشیدند به تو رسید؟» آن‌گاه بی‌درنگ سردمداران لشکر کفر را معرفی می‌کند: «فرعون و ثمود» و مراد این است که ای محمد، به یاد آور داستان کسانی را که پیامبران را تکذیب نموده و در نتیجه دچار عذاب شدند، ولی پیامبران در اثر صبر و استقامت مورد لطف و یاری پروردگار قرار گرفتند.<sup>۳۳</sup>

بل می‌گوید: «هر جا که عبارت‌های مشتمل بر «آیه» یا «آیات» به وصف پدیده‌های طبیعی به عنوان نشانه‌های قدرت و نعمت الهی پرداخته‌اند، عنصر مهمی از وحی اولیه به شمار می‌رود.»<sup>۳۴</sup>

این مبنای وی نیز مخدوش و غیرقابل دفاع است؛ زیرا موارد نقض متعددی دارد که برخی از آن‌ها را در این‌جا یادآور می‌شویم؛ برای مثال، در سوره بقره می‌خوانیم: «سپس گفتیم: قسمی از گاو را به مقتول بزنید (تا زنده شود و قاتل را معرفی کند). خداوند این گونه مردگان را زنده می‌کند و آیات خود را به شما نشان می‌دهد شاید اندیشه

کنید»<sup>۳۵</sup> و «در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکت‌اند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین را پس از مرگ، زنده نموده و انواع جنیندگان را در آن گسترده و... نشانه‌هایی (آیات) است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که می‌اندیشند»<sup>۳۶</sup>

«و به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر تو است، و هم) برای این که تو را نشانه‌ای (آیه) برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم»<sup>۳۷</sup> و در سوره آل‌عمران آمده است: «مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های -روشنی (آیات) برای خردمندان است»<sup>۳۸</sup> و نیز در سوره «رعد» به آیات طبیعی دیگری که نشانه عظمت و قدرت و رحمت پروردگارند، اشاره شده است: «و او کسی است که زمین را گسترده؛ و در آن کوه‌ها و نه‌هایی قرارداد و در آن از تمام میوه‌ها یک جفت آفرید؛ (پرده سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند؛ در این‌ها آیاتی است که

برای گروهی که تفکر می‌کنند، و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوت‌اند و نیز باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌ها... در این‌ها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند»<sup>۳۹</sup> در این نمونه‌ها، یا واژه «آیه» به کار رفته و یا واژه «آیات»، و بر خلاف گمان و پندار بل هیچ کدام از این‌ها مربوط به وحی مکی نبوده، بلکه همگی در مدینه نازل شده‌اند و حال آن‌که بر نشانه‌های طبیعی پروردگار در جهان هستی و عظمت و قدرت او دلالت دارند، نه این که مراد آیات تشریحی و قابل تلاوت و کتابت باشند.

## ۲. مرحله قرآن:

ریچارد بل، «مرحله قرآن» از واحدهای نزول را چنین تبیین نموده است:  
شامل بخش اخیر زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و بیش از یک سال از دوران هجرت او در مدینه می‌شود و این ویژگی را دارد که پیام‌های وحیانی نازل شده و به کتاب درآمد در این دوره، سرآغاز تدوین یک قرآن عربی است که واجد روح و جان سخن کتب آسمانی پیشین است. فهرست آیات و سوره‌های این دوره عبارت است از: علق: ۱ - ۸

مدثر: ۱ - ۷، اعلی: ۱ - ۹، مزمل: ۱ - ۸  
 بلد: ۱ - ۱۱، تکاثر، لیل، شمس: ۱ -  
 ۱۰، عبس، زلزله، انفطار، تکویر: ۱ - ۱۴،  
 انشاق: ۱ - ۶ و ۷ - ۱۲، عادیات،  
 نازعات، نبأ، غاشیه، فجر، قیامت، حاقه،  
 ذاریات، طور، واقعه، معارج، الرحمن،  
 قمر، صافات، دخان، ق، طه، شعراء،  
 حجر، ص، یس، زخرف، نمل، ابراهیم،  
 یوسف، زمر، شوری، یونس و رعد.  
 بل می‌گوید: مرحله قرآن تقریباً از  
 هنگامی شروع می‌شود که حکم نماز  
 نازل شد و یا مدت کوتاهی پس از  
 زمانی است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای پیروان  
 محدودی شده بود، و این دوره آغازین  
 وحی (نه دوره آغاز رسالتش) بوده که  
 شامل پیام‌های وحیانی ذیل است: امر به  
 خواندن (علق، ۱ - ۵)، قیام کردن و  
 هشدار دادن (مدثر، ۱ - ۷)، امر  
 غیرمستقیم به جمع و تدوین قرآن  
 (مزمل، ۱ - ۲ و ۴ - ۸)، اطمینان  
 بخشیدن به این‌که به او در این مسئله  
 یاری خواهد شد (اعلی، ۱ - ۶ و ۸ - ۹).  
 این عبارات در اصل برای خود پیامبر  
 بوده، ولی نشان‌دهنده روش و گونه‌ای  
 است که قرآن باید براساس آن تدوین  
 می‌شده است. آیات و عبارات نخستین

مرحله قرآن متشکل از اعلام نزدیکی  
 قیامت و ثواب و عقاب اخروی می‌باشد.<sup>۴۰</sup>  
 ویژگی دیگر این مرحله از وحی مطرح  
 شدن داستان‌های عبرت‌آمیز کتاب  
 مقدس همچون داستان یوسف عَلَيْهِ السَّلَام  
 است. فرازهای تعلیمی و پندآمیز،  
 عباراتی هستند دارای آیت الهی و حتی  
 دارای کيفر و مکافات الهی، مانند سوره  
 «عبس» که در اصل پنج قسمت مجزا  
 بوده و پس از کنار هم نهاده شدن آن‌ها،  
 منسجم و یکنواخت به نظر می‌رسد.  
 اندکی قبل یا پس از هجرت بوده که  
 کلمه «سوره» کاربرد می‌یابد.<sup>۴۱</sup>  
 مفهوم «قرآن» در زمان نبرد بدر مدون و  
 کامل شده بود؛ زیرا واژه قرآن به ندرت  
 در پیام‌های وحیانی متأخر از این دوره  
 آمده است. هنگامی که این واژه در  
 بخشی از قرآن که پس از این دوره نازل  
 شده، مشاهده می‌گردد (همچون آیه ۱۱۱  
 سوره توبه و آیه ۲۰ سوره مزمل)  
 معنایش مجموعه‌ای از خواندنی‌هایی  
 است که تکمیل می‌باشد، نه مجموعه‌ای  
 از پیام‌های وحیانی که دریافت آن‌ها  
 هنوز کامل نشده است. در برخی آیات  
 گرچه واژه قرآن ذکر نشده، اما حکایت  
 از آن دارد که چیزی قرار است وحی

«مسد» نازل شده و اسلوب و انسجام آیاتش به گونه‌ای است که بر نزول دفعی تمام سوره دلالت دارد.<sup>۴۱</sup> وی آیات اول تا چهاردهم سوره «تکویر» را به اواخر وحی مکی مرتبط نموده است و حال آنکه این «سوره» هفتمین سوره نازل شده در مکه بوده و به لحاظ مضمون و محتوا به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ قسم اول آن به تبیین روز رستاخیز و نشانه‌های آن و حساب‌رسی و سرنوشت مردم در آن روز می‌پردازد و قسم دوم، مطالب و مدعیات پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد تأیید و تصدیق قرار می‌دهد. این دو قسمت به رغم اختلاف در موضوع، از یکدیگر گسسته و بی‌ارتباط نیستند؛ از این رو، قول راجح آن است که بگوییم به لحاظ نزول، بین آنها نظم و ترتیب حقیقی وجود دارد. در نتیجه، تفکیک آیات اولیه آن و منتسب ساختن به اواخر وحی مکی درست به نظر نمی‌رسد.

نظم و تناسب معنوی حاکم بر آیات سوره «انشقاق» نیز نشان‌دهنده نزول دفعی کل این سوره در زمان واحد است.<sup>۴۲</sup>

### ۳. مرحله کتاب

در این مرحله از وحی، به جای واژه «قرآن» واژه «کتاب» به کار رفته است و

گردد؛ مانند آیه سوم از سوره دخان و آیه اول سوره قدر: «ما آن را در شبی با برکت نازل کرده‌ایم.» و آیه چهل و یکم سوره انفال: «و آنچه بر بنده خود در غزوه بدر نازل کردیم.» «یوم الفرقان» در این آیه به نبرد بدر اشاره دارد که در ماه رمضان اتفاق افتاد.<sup>۴۳</sup> وی در تبیین مرحله «قرآن» نیز دچار لغزش‌ها و داوری‌های نادرستی شده که به بیان برخی از آنها بسنده می‌کنیم: از مهم‌ترین اشتباهات ریچارد بل این است که آیات اول تا هشتم سوره «علق» را جزو وحی‌های پایانی دوران مکی بر شمرده است و حال آنکه از دیدگاه همه روایات، آیات آغازین سوره «علق» نخستین آیاتی بوده که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است.<sup>۴۴</sup> از میان خاورشناسان «هرشفلد» نیز به همین نتیجه رسیده است که در اواخر این فصل با دیدگاه او آشنا خواهید شد و دیگرانی هم که آن را نخستین آیات وحی ندانسته‌اند، اما به هر حال در زمره سوره‌های اوایل وحی مکی بر شمرده‌اند. داوری او نسبت به آیات اول تا هفتم سوره «مدثر» نیز درست نمی‌باشد؛ چرا که این سوره پس از «مزمل» و قبل از

این نشان دهنده استمرار جریان وحی است، و دیگر این که پیام‌های وحیانی مدتی پس از آن که بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل می‌شد، به نگارش در می‌آمدند. به یقین می‌توان گفت که وظیفه پیامبر در این دوره، جمع و تدوین کتاب بوده نه هشدار دادن به مردم از عذاب الهی؛ بنابراین، هر برداشت و تصویری که از مرحله قرآن (قرائت بدون کتابت) داشته باشیم، در بخش‌های اخیرتر قرآن، چنان واقعیتی را ملاحظه نمی‌کنیم، بلکه به جای آن به «کتاب» اشاراتی شده است؛ برای نمونه، در سوره مریم به پیامبر امر می‌شود که «و در این کتاب (آسمانی)، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت»؛<sup>۶۶</sup> در این کتاب، ابراهیم را یاد کن که او بسیار راست‌گو و پیامبر (خدا) بود»؛<sup>۶۷</sup> «و در این کتاب از موسی یاد کن» که او مخلص بود و رسول و پیامبری والا مقام»؛<sup>۶۸</sup> «و در این کتاب از اسماعیل نیز یاد کن» که او در وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبری بزرگ بود»؛<sup>۶۹</sup> «و در این کتاب، از ادریس نیز یاد کن، او بسیار راست‌گو و پیامبر بزرگی بود.»<sup>۷۰</sup>

البته در برخی آیات قرآن، واژه «کتاب» به معانی دیگری استعمال شده است، مانند «نامه» (سوره نور، آیه ۳۳)، «نامه اعمال» (اسراء: ۷۱) و... ولی بحث ما در آن آیاتی است که واژه «کتاب» صرفاً بر قرآن مدون دلالت دارد. وقتی کلمه «کتاب» در ارتباط با یهود و نصارا به کار می‌رود، البته به هیچ کتاب آسمانی اشاره ندارد، بلکه بر متونی که به صورت مدون نزد آنان است، دلالت می‌کند. در مورد آیین اسلام، واژه «کتاب» با دوره مدنی وحی مناسب‌تر است؛ زیرا پیام‌های وحیانی نازل شده بر پیامبر در این دوره شامل اوامر و نواهی، پند و اندرز، و احکام است که با خواندن در عبادت جمعی مناسب نیست. رقابت با یهودیان و ادعای این که اسلام مکتبی مستقل و غیر از مکتب یهود و نصارای دارد، اقتضا می‌کند مسلمانان سرانجام دارای کتابی قابل مقایسه با کتاب‌های آسمانی پیشین باشند. این نکته در آیه سوم سوره آل عمران مطرح شده است: «این کتاب را که هماهنگ با کتب آسمانی پیشین است، به حق بر تو فرستاد، چنان‌که تورات و انجیل را پیش از آن نازل کرد.»<sup>۷۱</sup>

بل در ادامه می‌افزاید:

مقطعی که نشان دهنده وظیفه «کتاب آوری» پیامبر بوده را نمی‌توان به دقت تعیین کرد، زیرا واژه «کتاب» پیوسته به شیوه‌های گوناگون به کار می‌رفته و عبور از «قرآن» به «کتاب» تدریجی بوده است. احتمالاً واژه «کتاب» نخستین بار در سوره بقره به کار رفته است: «الم \* ذلک الکتاب لاریب فیه» همچنین در سوره‌های آل عمران، اعراف، یونس، یوسف، رعد، ابراهیم و حجر که همه دارای حروف مقطعه هستند، به دنبال این حروف، حکم و تأکیدی درباره «کتاب» آمده است. سوره بقره مطالبی دارد که باید قبل از بریدن از یهود و پیش از نبرد بدر نازل می‌شد، و چون نزول قرآن با نبرد بدر پیوند دارد، ممکن نیست که کتاب از زمانی پس از آن نبرد آغاز شده باشد، مگر آن که «قرآن» و «کتاب» را بتوانیم تا مدتی از یکدیگر متمایز تصور کنیم. با توجه به این که قرار بوده به زودی کتابی از جانب خدا نازل شود، گنجاندن آن مطالب آغازین در آن انتظار می‌رفته است. به طور مسلم می‌توان گفت که «کتاب» هیچ گاه کامل نشده است. احتمال می‌رود که به دلیل

وقوع جنگ‌هایی با دشمنان خارجی و سایر ضرورت‌های جامعه، کار جمع و تدوین (گنجاندن آیات وحی شده پیشین در سوره‌هایی مناسب و با نظم و ترتیب خاص) رها شده باشد.<sup>۵۲</sup>

«قرآن» محدود به بخش‌های معینی می‌باشد که برای قرائت عبادی مناسب بوده است و این بخش‌ها که در این «قرآن» محدود درج شده است، برای آن که مناسب درج در «کتاب» باشد، بازنگری و تجدیدنظر بیشتری یافته است. این مطلب در مورد سوره‌های رعد و ابراهیم انجام گرفته است و در مورد سوره یوسف می‌توان گفت که آیه ۳ و آیات ۱ و ۲ به ترتیب متعلق به «قرآن» و «کتاب» بوده‌اند.

بدین ترتیب، «کتاب» پیکره اساسی و کامل وحی، مشتمل بر عبارات «آیه» دار، داستان‌های عذاب، هیئت محدود شده «قرآن» و بخش‌های دیگری که به او وحی شده، می‌باشد. در نتیجه، مفهوم «کتاب» با مفهوم کنونی «قرآن» یکسان است.<sup>۵۳</sup>

تحلیل آیه به آیه بل از کل قرآن او را به این استنتاج سوق داد که سوره‌ها پیچیده‌تر از آنند که در تاریخ‌گذاری اروپایی و سنتی اسلامی تصور شده

است و این‌که آیات وحی در معرض تجدیدنظر جدی از قبیل بسط و تفصیل، جایگزینی فرازهای قدیمی با مطالب جدید، تغییراتی در قافیه و غیره، واقع شدند و این‌که این تجدیدنظر شامل اسناد و مدارک مکتوبی بود که در طی زندگی پیامبر و تحت نظارت ایشان انجام گرفت و مطالب برای بیشتر سوره‌ها فراهم آمد، ولی شکل نهایی آن تحت نظارت پیامبر صورت پذیرفت.

به رغم ملاحظه نسبتاً دقیقی که بل در همه آیات قرآن انجام داده است، نتوانسته برای بسیاری از آیات تاریخ معینی بیان کند و در مورد تاریخ‌گذاری بسیاری از آیات دیگر نیز تردید وجود دارد؛ از این رو، مسئله تاریخ‌گذاری آیات قرآن به صورت قطعی مطرح نشده و این پژوهش ناتمام ماند؛ لذا در میان پژوهشگران اخیر (پس از دوران بل) نسبت به این مسئله توجه اندکی صورت پذیرفته است.

او در مورد برخی آیات مدنی تلاش کرده نسبتاً دقیق تاریخ‌یابی کند. آیات اوایل وحی مدنی پس از نبرد بدر (اندکی پس از جنگ أحد) را بازایی نمود، ولی برای بیشتر آیات پیشنهادهایی

بسیار کلی و عام ارائه کرد. یک بررسی از تاریخ‌یابی بل درباره فرازهای جزئی نشان می‌دهد که او کم‌تر از بیست سوره را احتمال داده که به طور کامل مکی باشند، در حالی که نظر مشهور در میان پژوهشگران و عالمان مسلمان این است که ۸۶ سوره مکی هستند و گفته شده همه آن‌ها مطالبی از زمان‌های مختلف دارند. در مورد سوره‌های کوتاه دیگر، برخی از آن‌ها را به عنوان واحدهای کامل احتمالی بر شمرده است.

مهم‌ترین اشکالی که در فرضیه بل وجود دارد، این است که بین مرحله «قرآن» و مرحله «کتاب» تمایز قاطعی را فرض کرده است، بی‌آن‌که دقیقاً به توجیه و اثبات این تمایز بپردازد و این‌که از کجا حاصل شده است، و حال آن‌که در آیات مختلف، واژه «قرآن» همواره معادل با واژه «کتاب» به کار رفته است؛ مانند آیه اول سوره فصلت: «حَمَّ \* تَنْزِيلٍ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* كِتَابٍ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» مگر در مواردی که مراد از «قرآن» بخش منفرد یا عمل قرائت باشد؛ در نتیجه، اولاً: ریچارد بل این پیش‌فرض خود را اثبات نکرده که کاربرد واژه «قرآن» لزوماً پیش



از واژه «کتاب» بوده است، و ثانیاً: در بسیاری از آیات شاهد کاربرد واژه «کتاب» هستیم به گونه‌ای که مراد از آن صرفاً شریعت آسمانی است، بدون آن که لزوماً معنای نوشته در آن لحاظ شده باشد؛ البته واژه «کتاب» در لغت به معنای «نگارش، نوشته و نامه» است،<sup>۵۶</sup> ولی در قرآن کریم، موارد کاربرد آن بسیار متعدد و متفاوت می‌باشد. این واژه که در قرآن ۲۵۵ بار به صورت مفرد و شش بار به شکل جمع به کار رفته است، گاهی به نامه اعمال انسان‌ها (مانند آیه ۷۱ سوره اسراء، آیه ۴۹ سوره کهف و آیه ۶۹ سوره زمر) اشاره دارد؛ در برخی آیات به وقایعی که مقدر شده‌اند (مانند آیه ۵۸ سوره اسراء و آیه ۲ سوره فاطر) اشاره می‌کند و در بعضی آیات به «علم خدا» (مانند آیه ۵۹ سوره انعام، آیه ۶۱ سوره یونس و آیه ۶ سوره هود) اشاره می‌نماید، و در آیه ۳۳ سوره نور، مراد از «کتاب» سند آزادی می‌باشد و به ندرت این واژه در قرآن به سبکی از نگارش متعارف اشاره می‌کند؛ مانند نامه سلیمان به ملکه سبا (آیه ۲۸ به بعد سوره نمل). در آیه «وَيَعْلَمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>۵۷</sup> مراد از «کتاب» قرآن و مراد از «حکمت»

شریعت و بیان احکام است، و مراد از کتاب مبین در آیه «وَالْكِتَابَ الْمُبِينِ»<sup>۵۶</sup> قرآن است که طریق هدایت را می‌آموزد، و به طور کلی «الکتاب» یعنی آن وسیله‌ای که پیامبران الهی بر اساس آن به هر چیزی علم و آگاهی می‌یافتند؛ بنابراین، مفهوم نوشته یا مکتوب در همه موارد کاربرد آن لحاظ نشده است.<sup>۵۷</sup>

### جمع‌بندی مهم‌ترین دیدگاه‌های ریچارد بل درباره تعیین تاریخ نزول آیات و سوره:

۱. روایات ترتیب نزول، ارزش واقعی ندارد؛
۲. نزول سوره‌های «علق» و «قلم» با مرحله پس از بعثت پیامبر ﷺ سازگار است نه با قبل آن؛ زیرا در آغاز رسالت او هیچ تصویری از فرشتگان نبوده است.
۳. آیات وحی در قالب واحدهایی بسیار کوچک و اغلب تنها متشکل از یک یا دو یا سه آیه بوده است؛ از این رو، تاریخ‌گذاری مناسب آیات قرآنی باید خود را با این واحدهای کوچک‌تر وفق دهد.
۴. قسمت‌هایی از قرآن احتمالاً بر پشت اوراقی که مشتمل بر قسمت‌های دیگر قرآنی بوده، نوشته شده‌اند و درج آیه‌ای در سوره‌هایی که در واقع به آن‌ها تعلق نداشته، می‌تواند ناشی از کار کاتبانی باشد که این اوراق را به شیوه‌ای فنی

استنساخ نموده‌اند، بی‌آن‌که هیچ‌گونه توجهی به مفهوم آیات داشته باشند.

۵. وی با در نظر گرفتن تدوین قرآن در طی حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، نقطه آغازین قرآن به عنوان متن مقدس را به زمان جنگ بدر مربوط می‌داند. برای او این واقعه نقطه عطف به شمار می‌رود، در حالی که مسئله هجرت، به عنوان یک معیار تفکیک در ساختار طبقه‌بندی سوره‌ها محسوب نمی‌شود.

۶. از نگاه بل جمع قرآن به سه دوره اصلی تقسیم می‌شود:

یک: مرحله آیات یا نخستین مرحله نزول وحی مکی؛

دو: مرحله قرآن که شامل بخش اخیر زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و بیش از یک سال از دوران هجرت او در مدینه است. فهرست آیات و سوره این دوره عبارت است از: علق: ۱ - ۸، مدثر: ۱ - ۷، اعلی: ۱ - ۹، مزمل: ۱ - ۸، بلد: ۱ - ۱۱، تکوین، لیل، شمس: ۱ - ۱۰، عبس، زلزله، انفطار، تکوین: ۱ - ۱۴، انشقاق: ۱ - ۶ و ۷ - ۱۲، عادیات، نازعات، نبأ، غاشیه، فجر، قیامت، حاقه، ذاریات، طور، واقعه، معارج، الرحمن، قمر، صافات، دخان، ق، طه، شعراء، فجر، ص، یس، زخرف، نمل، ابراهیم، زمر، شوری، یونس و رعد.

سه: مرحله کتاب که نشان دهنده استمرار جریان وحی است و در این مرحله، وظیفه پیامبر، جمع و تدوین کتاب بوده نه هشدار دادن به مردم از عذاب الهی.

۷. آیات اول تا چهاردهم سوره «تکوین» مربوط به اواخر وحی مکی است.

۸. به طور مسلم می‌توان گفت که «کتاب» هیچ وقت کامل نشده است و احتمال می‌رود که به دلیل وقوع جنگ‌هایی با دشمنان خارجی و سایر ضرورت‌های جامعه، کار جمع و تدوین رها شده باشد.

۹. بل احتمال داده که کم‌تر از بیست سوره به طور کامل مکی باشند.

**مهم‌ترین نظریات آیه الله معرفت در زمینه تاریخ‌گذاری قرآن:**<sup>۵۸</sup>

۱. قرآن بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سن ۴۳ سالگی نازل شد و این غیر از بعثت است که به اتفاق امت در سن ۴۰ سالگی بوده است؛ در نتیجه مدت نزول وحی در حدود بیست سال بوده است.

۲. در سه سال اول بعثت، دعوت به گونه سری انجام می‌گرفت و هنوز برای اسلام کتابی نازل نشده بود تا آن‌که آیه «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ...» نازل گردید و نزول قرآن نیز آغاز شد.

۳. نزول سه یا پنج آیه از اول سوره علق به طور قطع با آغاز بعثت مقارن بوده و این مسئله مورد اتفاق نظر است؛ سپس چند آیه از ابتدای سوره مدثر نازل شده است، ولی نخستین سوره کامل که بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل گردیده، سوره حمد می باشد و چند آیه از سوره علق یا مدثر در آغاز بعثت، عنوان سوره نداشته و با نزول بقیه آیه های سوره این عنوان را یافته است؛ از این رو، اشکالی ندارد که بگوییم اولین سوره، سوره حمد است و به نام «فاتحة الكتاب» خوانده شود.

۴. در روایات منقول از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام آمده است که آخرین سوره، سوره نصر است، و آخرین آیه که بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد، آیه ۲۸۱ بقره بوده است: «وَأَتَقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ».

۵. طبق آماری که از روایات ترتیب نزول به دست می آید، ۸۶ سوره مکی و ۲۸ سوره مدنی است که در این طبقه بندی سه معیار وجود دارد:

یک - معیار زمان: بیشتر مفسران بر این باورند که معیار مکی یا مدنی بودن، هجرت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مکه به مدینه است. هر سوره ای که پیش از هجرت

نازل شده، مکی و هر سوره ای که پس از هجرت نازل شده است مدنی به شمار می رود، خواه در مدینه نازل شده باشد، خواه در سفرها و حتی در مکه، در سفر حج یا عمره، زیرا پس از هجرت بوده است. دو - معیار مکان: هر چه در شهر مکه و پیرامون آن نازل شده مکی است و هر چه در مدینه و پیرامون آن نازل گردیده، مدنی است، خواه پیش از هجرت یا پس از آن نازل شده باشد.

سه - معیار خطاب: هر سوره ای که در آن، به مشرکان خطاب می کند، مکی و هر سوره ای که در آن به مؤمنان خطاب می کند، مدنی است.

[از نظرها، معیار زمانی، دقیق تر و معتبرتر است]. برای تشخیص سوره های مکی و مدنی، ملاک هایی را مشخص کرده اند که هر یک به تنهایی نمی تواند ملاک جامع و مانعی باشد بلکه روی هم رفته تا حدودی تعیین کننده است و این ویژگی ها هرگز کلیت ندارد، بلکه صرفاً درباره بعضی از انواع صدق می کند.

۶. ملاک تشخیص مکی و مدنی، یا نقل و خبر است که در اصطلاح به آن «سماعی» می گویند و یا اجتهاد و شواهد ظاهری و صورت جمله بندی و داشتن

سجع و وزن و کوتاهی آیات و سوره‌ها و یا شواهد محتوایی می‌باشد. [هر یک از این ملاک‌ها به صورت موجبه جزئیه و در پاره‌ای از موارد، تعیین کننده می‌باشد].  
 ۷. در ترتیب نزول سوره‌ها، روایاتی در دست است که مورد اعتماد بزرگان علم می‌باشد و عمده آن‌ها از ابن عباس نقل شده است، مانند روایتی که احمد بن ابی یعقوب کاتب، معروف به ابن واضح

یعقوبی (متوفای ۲۹۲) در تاریخ خود از محمد بن سائب کلبی از ابی صالح از ابن عباس نقل می‌کند.<sup>۹۹</sup>  
 ۸. از آن‌جا که از دیدگاه آیه الله معرفت، معتبرترین معیار تعیین تاریخ نزول سوره‌ها، استناد به روایت ابن عباس می‌باشد، جدول سوره‌های مکی و مدنی را در این جا ارائه می‌نمایم:

**سوره‌های مکی (۸۶ سوره)**

اسم سوره	ترتیب موجود	ترتیب نزول
ضحی	۹۳	۱۱
شرح	۹۴	۱۲
عصر	۱۰۳	۱۳
عادیات	۱۰۰	۱۴
کوثر	۱۰۸	۱۵
تکواثر	۱۰۲	۱۶
ماعون	۱۰۷	۱۷
کافرون	۱۰۹	۱۸
فیل	۱۰۵	۱۹
فلق	۱۱۳	۲۰

اسم سوره	ترتیب موجود	ترتیب نزول
علق	۹۶	۱
قلم	۶۸	۲
مزمل	۷۳	۳
مدثر	۷۴	۴
فاتحه	۱	۵
مسد (تبت)	۱۱۱	۶
تکویر	۸۱	۷
اعلی	۸۷	۸
لیل	۹۲	۹
فجر	۸۹	۱۰

۲۶۷۲

اسم سوره	ترتیب موجود	ترتیب نزول
جن	۷۲	۴۰
یس	۳۶	۴۱
فرقان	۲۵	۴۲
فاطر	۳۵	۴۳
مریم	۱۹	۴۴
طه	۲۰	۴۵
واقعه	۵۶	۴۶
شعراء	۲۶	۴۷
نمل	۲۷	۴۸
قصص	۲۸	۴۹
اسراء	۱۷	۵۰
یونس	۱۰	۵۱
هود	۱۱	۵۲
یوسف	۱۲	۵۳
حجر	۱۵	۵۴
انعام	۶	۵۵
صافات	۳۷	۵۶
لقمان	۳۱	۵۷
سبا	۳۴	۵۸

اسم سوره	ترتیب موجود	ترتیب نزول
ناس	۱۱۴	۲۱
اخلاص (توحید)	۱۱۲	۲۲
نجم	۵۳	۲۳
عبس	۸۰	۲۴
قدر	۹۷	۲۵
شمس	۹۱	۲۶
بروج	۸۵	۲۷
تین	۹۵	۲۸
قریش	۱۰۶	۲۹
قارعه	۱۰۱	۳۰
قیامه	۷۵	۳۱
همزه	۱۰۴	۳۲
مرسلات	۷۷	۳۳
ق	۵۰	۳۴
بلد	۹۰	۳۵
طارق	۸۶	۳۶
قمر	۵۴	۳۷
ص	۳۸	۳۸
اعراف	۷	۳۹

ترتیب نزول	ترتیب موجود	اسم سوره
۷۵	۳۲	سجده
۷۶	۵۲	طور
۷۷	۶۷	ملک
۷۸	۶۹	حاقه
۷۹	۷۰	معارض
۸۰	۷۸	نبأ
۸۱	۷۹	نازعات
۸۲	۸۲	انفطار
۸۳	۸۴	انشقاق
۸۴	۳۰	روم
۸۵	۲۹	عنکبوت
۸۶	۸۳	مطففین
۸۷		

ترتیب نزول	ترتیب موجود	اسم سوره
۵۹	۳۹	زمر
۶۰	۴۰	غافر (مؤمن)
۶۱	۴۱	فصلت
۶۲	۴۲	شوری
۶۳	۴۳	زخرف
۶۴	۴۴	دخان
۶۵	۴۵	جاثیه
۶۶	۴۶	احقاف
۶۷	۵۱	ذاریات
۶۸	۸۸	غاشیه
۶۹	۱۸	کهف
۷۰	۱۶	نحل
۷۱	۷۱	نوح
۷۲	۱۴	ابراهیم
۷۳	۲۷	انبیاء
۷۴	۲۳	مؤمنون

۲۴۷۵

سوره‌های مدنی (سوره ۲۸)

اسم سوره	ترتیب موجود	ترتیب نزول
حج	۲۲	۱۰۵
منافقون	۶۳	۱۰۶
مجادله	۵۸	۱۰۷
حجرات	۴۹	۱۰۸
تحریم	۶۶	۱۰۹
جمعه	۶۲	۱۱۰
تغابن	۶۴	۱۱۱
صف	۶۱	۱۱۲
فتح	۴۸	۱۱۳
مائده	۵	۱۱۴
توبه	۹	۱۱۵

اسم سوره	ترتیب موجود	ترتیب نزول
بقره	۲	۸۸
انفال	۸	۸۹
آل عمران	۳	۹۰
احزاب	۳۳	۹۱
ممتحنه	۶۰	۹۲
نساء	۴	۹۳
زلزال	۹۹	۹۴
حدید	۵۷	۹۵
محمد	۴۷	۹۶
رعد	۱۳	۹۷
رحمان	۵۵	۹۸
انسان (دهر)	۷۶	۹۹
طلاق	۶۵	۱۰۰
بینه	۹۷	۱۰۱
حشر	۵۹	۱۰۲
نصر	۱۱۰	۱۰۳
نور	۲۴	۱۰۴

۲۴۷۶

نتیجه:

ریچارد بل در تاریخ‌گذاری قرآن ارزشی برای روایات ترتیب نزول قائل نشده است، در حالی که بیشتر عالمان مسلمان از جمله آیه الله معرفت، مهم‌ترین مبنا و معیار تعیین تاریخ نزول آیات و سور قرآن را استناد به روایات، به ویژه روایت ابن عباس می‌دانند؛ از دیدگاه بل سوره «علق» با مرحله پس از بعثت پیامبر ﷺ سازگار است؛ از این روی آن را منطبق به دوره دوم از وحی مکی معرفی می‌کند و حال آنکه استاد معرفت معتقد است نزول آیات اولیه این سوره با آغاز بعثت مقارن بوده و پس از گذشت سه سال، به عنوان یک سوره قرآنی مطرح و کامل شده است.

ریچارد بل نقطه آغازین قرآن به عنوان متن مقدس را به زمان جنگ بدر مربوط می‌داند، ولی مسئله هجرت را به عنوان یک معیار تفکیک در ساختار طبقه‌بندی سوره‌ها نمی‌پذیرد، در حالی که استاد معرفت مسئله هجرت را تحت عنوان معیار زمان، بهترین ملاک طبقه‌بندی سوره‌ها و تاریخ نزول آنها می‌داند.

آیه الله معرفت مجموعه وحی قرآنی را به دو طبقه مکی و مدنی تقسیم کرده است و حال آنکه از دیدگاه ریچارد بل برای آن سه مرحله یا سه دوره وجود دارد.

از دیدگاه آیه الله معرفت، سور مکی ۸۶ سوره می‌باشند، در حالی که بل حدود ۲۰ سوره را به طور کامل مکی دانسته است. بل آیات اول تا چهاردهم سوره «تکویر» را مربوط به اواخر وحی مکی می‌داند، ولی استاد معرفت نزول تمامی این سوره را مربوط به اوایل وحی مکی دانسته و به عنوان هفتمین سوره نازل شده معرفی کرده است.

از نظر آیه الله معرفت، سوره‌های رعد، زلزله و الرحمن در زمرة سور مدنی ارائه شده‌اند و حال آنکه ریچارد بل آنها را در ردیف مرحله دوم از وحی مکی معرفی کرده است.

بل معتقد است که آیات وحی در قالب واحدهایی بسیار کوچک نازل شده؛ از این روی، تاریخ‌گذاری مناسب آیات قرآنی باید خود را با این واحدهای کوچک‌تر وفق دهد؛ و حال آنکه از نگاه استاد معرفت، همچون دیدگاه اکثر عالمان مسلمان، بسیاری از سوره‌های قرآن به صورت مجموعی و یکجا نازل شده‌اند. در مجموع می‌توان به این نکته کلی اشاره نمود که ریچارد بل نظیر سایر مستشرقان براساس حدس و گمان نسبت به تاریخ نزول برخی آیات و سور، داوری‌های غیرمتقنی را مطرح نموده است، ولی در واقع هیچ‌گونه نظام طبقه‌بندی از سوره‌ها یا تاریخ‌گذاری آیات قرآنی را به صورت دقیق ارائه نکرده است.



## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. احمد العلی، صائح، محاضرات فی تاریخ العرب، مؤسسه دار الکتب للطباعة والنشر، ۱۹۸۱.
۳. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۴. دروزه، محمد عزة، التفسیر الحدیث، چاپ دوم، القاہرہ، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۱ هـ.
۵. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع ثوبین، بی‌جا، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۵.
۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ هـ. ق.
۷. طبرسی، ابوعلی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲.
۱۲. Introduction TO THE Quran, RICHARD BELL, LONDON, ۱۹۵۳.
۱۳. CHRONOLOGY AND THE QURAN, GERHARD BOWERING, ENCYCLOPAEDIA OF QURAN, LEIDEN, ۲۰۰۲.
۱۴. AL - KURAN, A. T. WELCH; THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM, V, ۱۹۸۶.

<sup>۱۲</sup> . RICHARD. BELL, INTRODUCTION TO THE QURAN, EDINBURGH, University Press, P. ۱۰۱.

<sup>۱۳</sup> . Ibid. PP. ۱۲۱ - ۱۴۴.

<sup>۱۴</sup> . Ibid. PP. ۱۲۱ - ۱۲۲.

<sup>۱۵</sup> . ذاریات، ۲۱: «وَقَى الْأَرْضَ آيَاتِ الْمُرُوقِينَ. وَنَبَى أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»

<sup>۱۶</sup> . جاثیه، ۳: «إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ»

<sup>۱۷</sup> . فصلت، ۳۷ و ۳۹: «وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ...»

<sup>۱۸</sup> . RICHARD BELL, Ibid, P. ۱۲۲.

<sup>۱۹</sup> . التفسیر الحديث، محمد عزة دروزة، ج ۵، ص ۳۳.

<sup>۲۰</sup> . تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۲، ص ۳۲۹ - ۳۳۰.

<sup>۲۱</sup> . المیزان، سید محمدحسین طباطبائی، ج ۱۸، ص ۳۷۳.

<sup>۲۲</sup> . R. B. , Ibid.

<sup>۲۳</sup> . التفسیر الحديث، ج ۴، ص ۵۵۷.

<sup>۲۴</sup> . R. B. , Ibid.

<sup>۲۵</sup> . التفسیر الحديث، ج ۴، ص ۴۰۴.

<sup>۲۶</sup> . المیزان، ج ۱۷، ص ۳۵۹.

<sup>۲۷</sup> . RICHARD BHELL; Ibid, P. ۱۲۴.

<sup>۲۸</sup> . التفسیر الحديث، ج ۳، ص ۴۴۳.

<sup>۲۹</sup> . ر. ک: المیزان، ج ۱۰، ص ۵۵.

<sup>۳۰</sup> . تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

<sup>۳۱</sup> . التفسیر للحديث، ج ۵، ص ۲۵۳.

<sup>۳۲</sup> . بروج، ۱۵ - ۱۸.

<sup>۳۳</sup> . مجمع البیان، ابوعلی طبرسی، ج ۱۰، ص ۳۵۹.

<sup>۳۴</sup> . RICHARD BELL; Ibid. P. ۱۲۲.

<sup>۳۵</sup> . بقره، ۷۳.

<sup>۱</sup> . THEODOUR NOLDEKE. (۱۸۳۶ - ۱۹۲۰) [خاورشناس آلمانی]; THE ORIGINS OF THE KORAN.

<sup>۲</sup> . GUSTAV WEIL. (۱۸۰۸ - ۱۸۸۹) [خاورشناس آلمانی]; MOHAMMED, DER Prophet: Sein Leben und sein lehr.

<sup>۳</sup> . ROD WELL. (۱۹۰۰) [خاورشناس انگلیسی]; THE KORAN.

<sup>۴</sup> . BLACHERE. (۱۹۰۰ - ۱۹۷۳) [خاورشناس فرانسوی]; Introduction au coran.

<sup>۵</sup> . RICHARD BELL. (۱۹۱۳ - ۱۹۸۲) [خاورشناس اسکاتلندی]; INTRODUCTION TO THE QURAN.

<sup>۶</sup> . WILLAM MUIR. (۱۸۱۹ - ۱۹۰۵); THE CORAN, ITS COMPOSITION AND TEACHING.

<sup>۷</sup> . GRIMME. (قرن بیستم); MOHAMMED, Das Leben, Munster.

<sup>۸</sup> . HIRSCHFELD (۱۸۵۴ - ۱۹۳۴); NEW RESEARCHES INTO THE COMPOSITION AND EXEGESIS OF THE QURAN.

<sup>۹</sup> . Introduction To The Quran.

<sup>۱۰</sup> . محاضرات فی تاریخ العرب. صالح أحمد العلی، الجزء الاول، ص ۱۷۳ - ۱۷۴.

<sup>۱۱</sup> . INTROBUCTION TO THE QURAN, RICHARDBELL, LONDON, ۱۹۵۳.

۳۶. بقره، ۱۶۴.

۳۷. بقره، ۲۵۹.

۳۸. آل عمران، ۱۹۰.

۳۹. رعد، ۳ و ۴.

۴۰. RICHARD BELL; Ibid. P. ۱۳۷

۴۱. Ibid. P. ۱۳۸.

۴۲. Ibid. P. ۱۳۹.

۴۳. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۱۸، ص

۲۰۶، ح ۳۶: تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۴۷۸.

۴۴. التفسیر الحدیث، ج ۱، ص ۴۴۱.

۴۵. همان، ج ۵، ص ۴۲۳.

۴۶. مریم، ۱۶.

۴۷. مریم، ۴۱.

۴۸. مریم، ۵۱.

۴۹. مریم، ۵۴.

۵۰. مریم، ۵۶.

۵۱. RICHARD BELL, Ibid. P. ۱۴۱ - ۱۴۲.

۵۲. Ibid. P. ۱۴۳.

۵۳. Ibid.

۵۴. المعجم الوسیط، ابراهیم انیس و دیگران، ص ۷۷۵.

۵۵. بقره، ۱۵۲.

۵۶. دخان، ۲.

۵۷. مجمع البحرین، ر.ک: فخرالدین طریحی، ج ۲،

ماده ک - ت - ب.

۵۸. اقتباس از کتاب تاریخ قرآن، محمد هادی

معرفت، ص ۵۸ - ۳۴ (با تلخیص).

۵۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۶ و ۳۵.